

# مقدمه‌ای بر ماهیت و اصول قوانین محیط زیست بین‌المللی<sup>(۱)</sup>

قسمت دوم

\* محمد حسن حبیبی

## همکاری:

در ماده ۲۰۰ آن تبادل اطلاعات در زمینه آلودگی محیط زیست دریایی را تصریح می‌کند. نکته قابل توجه این است که براساس اسناد بین‌المللی هر گونه اطلاعات مبادله شده به عنوان اطلاعات محرمانه تلقی می‌شود و طرف دریافت‌کننده آن نبایستی آنرا فاش نماید. وانگهی اصل تبادل اطلاعاتی در محدوده حقوقی ملی هر کشوری در کنترل و تابع قوانین و آئین نامه‌های اجرایی و ضوابط مربوط به اسرار تجاری و حفاظت از اطلاعات محرمانه و اختصاصی آن کشور می‌باشد که همانا محدودیت‌هایی را در زمینه مبادله اطلاعات تکلیف می‌کند که این قبیل اطلاعات به روشنی شناسائی شده‌اند. مانند کنوانسیون وین برای حفاظت از لایه اوزن. اخیراً ادامه روند تبادل اطلاعاتی با تاکید بر روی همکاری در چهارچوب ارگانهای ذیصلاح بین‌المللی تحکیم یافته است و این ویژگی بطور اخص در سازمانهایی که تنها اهداف حفاظتی زیست محیطی دارند شکل گرفته است. این سازمانها از طریق کنوانسیون‌های زیست محیطی از قبیل کنوانسیون تغییرات آب و هوایی به وجود آمده‌اند (رجوع کنید به ماده ۹ که تأسیس یک نهاد پیگیر برای توصیه‌های تکنولوژی و علمی و همچنین ماده ۱۰ که نهادی دیگر را برای اجرای آن توصیه‌ها پیش بینی می‌کند).

اصل همکاری با اینکه یک مفهوم کلی است اما یکی از اساسی‌ترین اصول در حقوق محیط زیست بین‌الملل بشمار می‌آید و شامل موارد مهمی از جمله تبادل اطلاعات و همیاری متقابل و همکاری فنی می‌گردد. لازم به یادآوری است که از موضوع کمک‌های مالی و فنی بجز کمک‌های اضطراری در مبحث مربوط به حقوق بین‌المللی توسعه پایدار صحبت خواهد شد.

## ۱ - تبادل اطلاعات بطور اعم:

در زمینه مبادله اطلاعات مربوط به حفاظت محیط زیست، طرفین قرار داد در اسناد بین‌المللی محیط زیست معمولاً به صورت دو جانبه و چند جانبه موافقت و همکاری دارند. این مبادله اطلاعات می‌تواند بنا به تقاضای کتبی یکی از دولتها یا از طریق انتشار متناوب اطلاعاتی بوسیله ارگانهای ذیصلاح بین‌المللی صورت پذیرد. نمونه قابل ذکر در مورد الزام دولتها نسبت به تبادل اطلاعات کنوانسیون وین در باره حفاظت از لایه اوزن است که متضمن تبادل اطلاعات در زمینه‌های تجاری، اجتماعی، اقتصادی، فنی، علمی و همچنین حقوقی می‌باشد (ماده ۴) و همچنین کنوانسیون بین‌المللی ۱۹۸۲ حقوق دریاها که

\* عضو هیئت علمی دانشکده حقوق.

## ۲ - اختار در موارد اضطراری:

یکی از شناخته شده ترین ابعاد اصل مبادله اطلاعاتی الزام در دادن اختار در صورت وقوع یک حالت اضطراری است که می تواند اثرات برون مرزی داشته باشد و می تواند بطور خیلی روشن در حقوق عرف بین الملل به عنوان یک وظیفه تلقی گردد. برای مثال اصل ۱۸ اعلامیه ریو می گوید: «هر دولتی باید دولت های دیگر را از فجایع طبیعی یا دیگر موارد اضطراری که ممکن است اثرات ناگهانی بر محیط زیست آن دولتها بگذارد فوراً مطلع سازد». در صورت وقوع یک حادثه هسته ای در کنوانسیون ۱۹۸۶ وین در مورد ابلاغ به موقع حادثه هسته ای ثبت و تصریح شده است. اختار در موارد اضطراری همواره مبادله اطلاعات پس از وقوع حادثه است و نبایستی با اصل «اختار از قبل» اشتباه گرفته شود.

## ۳ - اختار از قبل، مشاوره و ارزیابی اثرات زیست محیطی:

این اصول به عنوان بخشی از الزامات عمومی در خصوص تبادل اطلاعات مربوط به حفاظت محیط زیست است که به الزامات مربوط به آلودگی های برون مرزی و ممانعت از دعاوی بین دولتهای عامل آلوده ساز و دول متاثر می پردازد.

الف - اطلاع قبلی، دولتها را ملزم می کند تا نسبت به انتقال به موقع اطلاعات به دولی که بطور بالقوه می توانند تاثیرپذیر باشند به عنوان یک برنامه عملی خود طرح ریزی کنند، به نحوی که تبادل این اطلاعات ضروری باید در زمانی مناسب یعنی پیش از وقوع حادثه باشد.

به طوری که دولتهای متاثر به توانند جلو خسارات ناشی از ضربه سرزمین شان را بگیرند و یا امکان مشورت به موقع را با دولت عامل داشته باشند. در این میان دولت عامل می بایستی نسبت به مبادله اطلاعات پیشگام باشد. این موضوع در اصل ۱۹ اعلامیه ریو به صراحت بیان شده است که می گوید: «دولتها باید اختار به موقع و از قبل و نیز اطلاعات لازم را در مورد فعالیت هایی که ممکن است اثرات سوء برون مرزی بر روی محیط زیست کشورهای دیگر داشته باشد را به آن کشورها بدهند».

عبارت مشابهی در قواعد و اصول حقوق بین المللی مونترال قابل اجرا برای آلودگی برون مرزی پیش بینی شده است که در سال

۱۹۸۲ کمیسیون توسعه حقوق بین الملل آنرا پذیرفته است. شایان ذکر است که افشای اطلاعات محرمانه به دست آمده در چهار چوب حقوق ملی و یا عهدنامه های بین المللی ممنوع است. برای مثال این ممنوعیت از سوی سازمان همکاری و توسعه اروپا OECD مورد تایید قرار گرفته است (اصل ۱۱).

ب - ارزیابی اثرات زیست محیطی، در واقع همان تجزیه و تحلیل پیامدهای زیست محیطی ناشی از فعالیتهای طرح ریزی شده می باشد که ممکن است تأثیرات بوجود آمده در آن مهم باشد. هنوز توافقی مبنی بر الزام دولتها در قبال انجام ارزیابی های زیست محیطی برای انتفاع دولتهای همسایه به وجود نیامده است. اعلامیه ریو برای نمونه پیش بینی مبهمی در این رابطه دارد و در اصل ۱۷ می گوید «تجزیه و تحلیل پیامدهای زیست محیطی به عنوان یک تدبیر ملی برای آن دسته از فعالیتهایی که احتمالاً آثار منفی زیادی بر محیط زیست باقی می گذارد باید از سوی مراجع صلاحیتدار هر کشور صورت پذیرد. از آنجائیکه مبادله اطلاعات از قبل در مورد فعالیتهایی که به طور بالقوه بر روی محیط زیست دولتهای دیگر تأثیر می گذارند الزامی است، لذا ضرورت ارزیابی اثرات زیست محیطی فعالیتهای یک دولت عامل را که می تواند اثرات احتمالی برون مرزی داشته باشد را ایجاب می نماید. بنابراین می توان گفت که الزام نسبت به انجام ارزیابی اثرات زیست محیطی به صورت تلویحی در الزام به مبادله اطلاعات از قبل مستتر شده است.

برای مثال ماده ۲۰۶ حقوق دریاها می گوید: در شرایطی که دولتها زمینه های کافی آینده نگری را داشته باشند که فعالیتهای برنامه ریزی شده تحت قلمرو و کنترل آنان ممکن است آلودگی عمده و یا تغییرات زیان آوری را در محیط زیست دریایی بوجود آورد، می بایستی تا آنجا که امکان اجرا برای آنها فراهم باشد تأثیرات بالقوه چنین فعالیتهایی را بر روی محیط زیست دریایی ارزیابی نموده و گزارش های مربوطه را مبادله نمایند.

گذشته از آن دولتها از سوی منشور جهانی طبیعت (اصل ۱۱) که مورد پذیرش دولت های خارجی و همچنین برنامه سازمان ملل متحد برای محیط زیست (U. N. E. P) است، نسبت به انجام ارزیابی اثرات زیست محیطی ترغیب شده اند. دستورالعمل صادره از سوی جامعه اروپا در سال ۱۹۸۵ اعضای این جامعه را

چوب کنوانسیون تغییرات آب و هوا برگزاری کنفرانسی را از طرفهای مربوط به عنوان یک ارگان برای مشاوره دائم و اتخاذ تصمیمات و همچنین ارگانهای وابسته گوناگون با عملکردهای مشاورتی پیش‌بینی نموده است).

#### ۴ - همکاری در زمینه تحقیقات علمی و مشاهدات سیستماتیک:

به علت تردید علمی مربوط به تغییر اکولوژیکی طرفین قرار داد معمولاً در پیمانهای گوناگون زیست محیطی قول همکاری در زمینه‌های تحقیقات علمی را می‌دهند که این همکاری با هدف شناخت طبیعت و پراکندگی آن و دیگر جنبه‌های مسائل زیست محیطی می‌باشد. توافق به عمل آمده در باب همکاری برای کنترل مسائل علمی در سطح بین‌المللی و سنجش‌های علمی در کنوانسیون حقوق دریاهای (ماده ۲۰۰، ۲۰۲، ۲۰۴) کنوانسیون وین در باره حفاظت از لایه اوزن (ماده ۳) و همچنین کنوانسیون حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی جهانی، تصریح شده است. همکاری در تحقیقات علمی و مشاهدات سیستماتیک سباده اطلاعات و همکاری و بویژه کمکهای مالی و فنی از سوی کشورهای توسعه یافته برای کشورهای در حال توسعه را به همراه دارد.

#### ۵ - اصل کمکهای فوری:

ضرورت کمکهای فوری دوجانبه در اسناد حقوقی بین‌المللی در موارد متعددی تاکید و تکرار شده است. برای مثال اعلامیه ریو عنوان می‌کند که «... جامعه بین‌المللی باید هر نوع کمکی را که می‌تواند، به کشورهای آسیب دیده ارائه نماید». (اصل ۱۸) اما این به آن معناییست که یک الزام قانونی برای انجام اینگونه کمکها بر طبق قواعد حقوقی عرفی برای دولتها وجود داشته باشد. بلکه برای انجام این منظور دولتها اغلب تاکید می‌کنند که اعمال آنها از روی حسن‌نیت و الزامات اخلاقی و نه به عنوان یک تکلیف قانونی می‌باشد.

کمکهای اضطراری برای مواردی است که انجام اعمالی در محدوده قلمرو کشور آسیب دیده و اغلب از طریق کمکهای مالی و انتقال آنها به صورت کمکهای غیر نقدی صورت می‌گیرد. نتیجه

ملزم می‌دارد که این ارزیابی را در رابطه با هرگونه فعالیت گسترده انجام دهند. کنوانسیون تنوع گونه‌های زیستی ماده ۱۴ و همچنین چهارمین کنوانسیون لومه (LOME) در ماده ۳۷ پاراگراف ۲، دولتهای طرف قرارداد را تا آنجا که ممکن و مقتضی است نسبت به ارزیابی اثرات زیست محیطی ترغیب می‌کند و کنوانسیون ارزیابی زمینه تأثیرات برون مرزی محیط زیست که در اوایل سال ۱۹۹۱ به امضاء رسیده است (اما هنوز جنبه اجرائی به خود نگرفته است) حدود الزام دولتها را در خصوص ارزیابی اثرات زیست محیطی بین‌المللی تعیین می‌کند.

ج - مشاوره، اصل مشاوره یک دوره مذاکرات را در لوای یک مصالحه شامل می‌شود که به موجب آن دولت تأثیرپذیر یا بالقوه تأثیرپذیر این فرصت را می‌یابد که یک پروژه طرح ریزی شده را تحت بررسی مجدد قرار دهد. اگر چه دولت عامل به موجب حق حاکمیت مطلق ملزم به تطبیق خود با منافع دولتهای همسایه نمی‌باشد اما حقوق محیط زیست تکلیف می‌کند که منافع اینگونه دولتها نیز در نظر گرفته شود. این اصل در کنوانسیونها و اعلامیه‌های متعددی مورد تاکید قرار گرفته است. برای مثال (ماده ۷) آلودگی برون مرزی منعکس در اصول سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) و کنوانسیونهای گوناگون دیگر مانند کنوانسیون نور دیک در باره حفاظت محیط زیست (استکهلم مصوب سال ۱۹۷۴ ماده ۱۱) و بخصوص مقررات مونترال در باره قواعد و اصول حقوق بین‌الملل قابل اجرا در مورد آلودگی برون مرزی (نگاه کنید به ماده ۸) می‌گوید: «بنابه تقاضای یک دولتی که بالقوه می‌تواند تأثیرپذیر باشد دولتی که اطلاعاتی را در اختیار دولت دیگر قرار می‌دهد می‌بایستی در زمینه فعالیتهای برنامه‌ریزی شده برون مرزی خود وارد شور شده و همچنین این مشورتها را در مدت زمان کافی و باحسن نیت ادامه دهد» (ماده ۸). می‌توان گفت که این اصل حداقل در مورد مدیریت منابع طبیعی مشترک به عنوان یک قاعده عرف بین‌الملل مطرح شده است. به علاوه وجود یک نوع اطمینان خاطر نسبت به یک روند ممتد مشاوره یا از طریق سیستمهای بین‌المللی موجود مانند شورای نوردیک شورای اروپا و سیستم سازمان ملل و یا از طریق تشکیل نهادهای خاصی که بیشتر در چهارچوب یک کنوانسیون محیط زیستی می‌باشند به چشم می‌خورد. (برای مثال در چهار

قابل قبولی در سطح بین‌المللی به عنوان وسیله‌ای برای تعریف الزام‌های رفتاری دولتها اشاره دارند. بدین ترتیب تعریف حقوقی ارائه شده از «کوشش‌های مقتضی» جنبه عینی تری بخود گرفته است. کنوانسیون بازل، برای مثال اصطلاح مدیریت صحیح زیست محیطی را بر روی مواد زائد خطرناک و سایر مواد زائد بکار می‌برد و به شرح زیر آنرا تعریف می‌کند: «... برداشتن گام‌های عملی برای اطمینان بخشیدن به اینکه مواد زائد خطرناک و یا دیگر مواد زائد بایستی به نحوی کنترل شوند که از تأثیرات سوء آنها نسبت به سلامت انسان و محیط زیست جلوگیری شود» دیگر کنوانسیونها ضوابط کمی مستحکمی را برای تدابیر کاهش آلودگی توصیه می‌نمایند، از جمله پروتکل کاهش خروج گاز سولفور یا اثرات برون مرزی آنها تا حداقل ۳۰٪ و پروتکل ۱۹۸۷ مونترال در خصوص مواد کاهنده لایه اوزن که امکانات کاهش این مواد را بر طبق یک برنامه زمان‌بندی شده ارائه می‌دهند.

## ۲- اصل اقدامات احتیاطی

این اصل که در حقوق بین‌الملل محیط زیست در حال پدیدار شدن است، دلالت بر این دارد که: در حالی که تهدیدهای جدی در مورد خسارتهای غیر قابل جبران به محیط زیست وجود دارد نباید از عدم وجود اطمینان کامل عملی به عنوان دلیل بر به تعویق انداختن برنامه‌های طرح‌ریزی شده برای جلوگیری از تخریب محیط زیست استفاده کرد.

تعریف فوق به وسیله اعلامیه اجرائی برکن در مورد توسعه پایدار تنظیم شده است و در اصل ۱۵ اعلامیه ریو نیز نسبت به آن تأکید گردیده است.

این اصل را نبایستی با مفهوم پیشگیری که مربوط به الزام دولتها نسبت به پیشگیری آلودگی‌های برون مرزی در چهارچوب مفهوم حق اعمال حاکمیت نسبی است اشتباه کرد. مطابق با آنچه در پی به آن اشاره می‌شود، اصل اقدامات احتیاطی بخشی از اصل پیشگیری آلودگی را نشان می‌دهد که مشخص می‌کند چه هنگامی نیاز به شروع تدابیر پیشگیری است. به هر حال هنوز در وجه تمایز این دو مفهوم یک نوع سردرگمی بچشم می‌خورد.

اخیراً اصل اقدامات احتیاطی در چند سند حقوقی بین‌المللی عنوان شده است. از جمله در اعلامیه ریو این اصل در چهارچوب

اینکه توافقیهای ویژه در موارد اضطراری خاص همچنین کنوانسیونهای عام تر طرق ارائه اینگونه کمکها را بین دولتها تعیین نموده است.

کنوانسیون ۱۹۸۶ وین در مورد کمک رسانی در صورت بروز یک حادثه هسته‌ای و یا یک فوریت رادیولوژیک، کنوانسیون سازمان ملل در باره حقوق دریاهای (ماده ۱۹۹)، موافقتنامه ۱۹۸۹ کشورهای اسکاندیناوی (نوردیک) در خصوص همکاری در مرزهای ملی با هدف جلوگیری و یا محدود نمودن خسارات وارده به انسان و متعلقات وی و یا محیط زیست او در صورت بروز حوادث و بالاخره کنوانسیون کلی ۱۹۸۰ اروپا در رابطه با همکاری فرامرزی بین دولتهای منطقه‌ای یا شورای حکام آنها یک چهارچوب کلی همکاری فی‌مابین را در موارد اضطراری تعیین می‌کنند.

## دستورالعمل‌های استراتژی کاهش آلودگی و نقش اشخاص در آن

### ۱- کوشش‌های مقتضی و جلوگیری از ضرر:

«کوشش‌های مقتضی» نمایانگر رعایت استاندارد کلی و عمومی است که دولتها برای حفاظت از محیط زیست موظف به تنظیم آن می‌باشند و نیل به آن مستلزم ارائه و گنجانیدن مقررات مؤثر اداری و قوانین پیشگیری از آلودگی محیط زیست (اگر چه که خیلی هم افراطی نباشند) می‌باشد که بتواند عملکرد بخش‌های خصوصی و عمومی را که ممکن است محیط زیست دیگر کشورها و یا مشترکات جهانی را متأثر سازد کنترل نماید. (رجوع کنید به بخش مشترکات جهانی و میراث مشترک بشریت) هر چند هیچ تعریف دقیق در حقوق بین‌المللی برای «کوشش‌های مقتضی» یا الزام‌های خاص، که در موارد مختلف قابل استناد باشند وجود ندارد. به طور اخص انعطاف‌پذیری قابل توجهی برای قوانین کشورهای در حال توسعه پیش‌بینی شده است. از اینرو در موارد مشاجره «کوشش مقتضی» کمکهای نسبتاً کمی در تعریف الزامات رفتاری ارائه می‌دهد.

معهدنا چندین کنوانسیون از جمله کنوانسیون بازل در مورد انتقال برون مرزی مواد زائد خطرناک و کنوانسیون مارپول (MARPOL) یا کنوانسیون تخلیه مواد زائد لندن به استانداردهای

یک اصل نسبتاً جدید در سطح بین‌المللی است و نمی‌تواند به عنوان یک اصل الزام‌آور حقوق عرفی بین‌المللی تلقی شود.

#### ۴ - دسترسی متساوی و عدم تبعیض

اصول دسترسی متساوی و عدم تبعیض علی‌الاصول مربوط به نقش ویژه اشخاص در مورد آلودگی فرامرزی است، که همانا ضوابطی هستند که در فعالیتهای خصوصی، در شکایات، مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها در موارد فعالیت‌های اثرات برون مرزی مورد استناد قرار می‌گیرند. این دو اصل نحوه برخورد برابر در قبال اثرات فعالیت‌های آلوده‌ساز فرامرزی و درون مرزی را مشخص می‌نمایند. این اصول دلالت بر آن دارند که اولاً: آلوده‌سازهایی که آلودگی برون مرزی را موجب می‌شوند مسئول ضوابط قانونی خواهند بود که به هیچ وجه از ضوابط مربوط به آلودگی درون مرزی سهل‌تر نمی‌باشند. بنابراین حد مجاز آلودگی فرامرزی به هیچ وجه نمی‌تواند از حد مجاز آلودگی درون مرزی فراتر رود. ثانیاً: این اصول دلالت دارند بر اینکه امکان بررسی متساوی می‌بایستی به مدعیان خارجی در دادخواهی‌های اداری و قضایای اعطاء شود. در سطح اداری به شهروندان ذیربط بایستی امکان دستیابی مساوی به اطلاعات با توجه به فعالیتهای زیست محیطی و همچنین توجه مساوی در روند تصمیم‌گیری تاجایی، که شهروندان قادر به شرکت در آن نباشند، پیش‌بینی گردد. واگهی در باب رسیدگی قضائی اصل عدم تبعیض، هرگونه کاهش میزان خسارتی را که بایستی به مدعیان خارجی در قیاس با مدعیان داخلی پرداخت شود منع می‌نماید.

هنوز اتفاق نظری در مورد ارزش قضائی چنین اصولی وجود ندارد تنها یک همسانی مشخص با حقوق بشر، بالاخص در رابطه با اصل عدم تبعیض که مربوط به حق برخورد یکسان می‌باشد وجود دارد. هر چند که اصل دسترسی مساوی به وسیله اعلامیه‌ها و کنوانسیون‌های متعددی مورد پذیرش قرار گرفته است (از جمله، اصول آلودگی فرامرزی سازمان همکاری‌های توسعه اقتصادی OECD (در اصل ۵) اصول رفتاری مربوط به منابع طبیعی مشترک یونپ UNEP، (در اصل ۱۴) و کنوانسیون کشورهای اروپایی شمالی مربوط به حفاظت محیط زیست ماده ۳). اما می‌توان گفت که موضوع عدم تبعیض یکی از اصول حقوق

کنوانسیون تغییرات آب و هوایی (ماده ۳، پاراگراف ۳) یا در منشور جهانی طبیعت (اصل ۱۱ بند ۲) و نیز پیمان ماستریخت در ماده ۱۳۰ پاراگراف ۲ آن که با اضافه کردن اصل اقدامات احتیاطی به خطوط کلی خط مشی و حقوق محیط زیست مربوط به کشورهای اروپائی (که در آینده در پیمان جامعه اقتصادی اروپا پیش‌بینی خواهد شد) عنوان نموده است.

برای تحقق این اصل می‌توان برای نمونه از طریق به‌کارگیری بهترین تکنولوژی قابل دسترس که در عین حال گران هم نباشد عمل نمود و هنگامی که به عنوان یک الزام در حقوق بین‌الملل مطرح گردد می‌تواند یک الزام اصولی را به همراه داشته باشد که در صورت تخطی از آن دولت موظف به پرداخت خسارت گردد. (رجوع کنید همچنین به قسمت مربوط به مسئولیت‌های دولتی).

#### ۳ - اصل جبران خسارت

این اصل بیانگر آن است که عامل آلوده ساز بایستی تحمیل هزینه‌های تدابیر پیشگیری آلودگی را به وسیله کارشناس مراجع ذیصلاح به منظور کسب اطمینان از حفاظت محیط زیست تعیین می‌شود را بکند. با انجام این کار هزینه‌های زیست محیطی به قیمت کالاها اضافه می‌شود و از این قرار، استفاده منطقی از منابع طبیعی غیرقابل تجدید تقویت می‌شود.

بنابراین اصل جبران خسارت یک اصل بنیادی و حاکی از آن است که به آلوده‌سازها هیچگونه کمک مالی داده نمی‌شود.

طبق پیشنهاد سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) در اجلاس می ۱۹۷۲ این اصل در چندین قطعنامه و اعلامیه دویا چند جانبه دیگر از جمله اعلامیه ریو عنوان شده است. به عنوان مثال در اصل ۱۶ اعلامیه ریو تصریح شده است «مقامات هر کشور باید تلاش کنند تا هزینه‌های سالم‌سازی محیط زیست را با استفاده از ابزارهای اقتصادی مقدم شمارند. به این نکته توجه کنند که آلوده‌کننده‌های محیط زیست باید در حقیقت هزینه‌های رفع آلودگی را پردازند و این مهم را با توجه به منافع عمومی و بی‌آنکه به تجارت بین‌المللی و سرمایه‌گذاری آسیب وارد آید به انجام رسانند».

اگرچه این اصل قبلاً هم توسط جامعه اروپا (ماده ۱۳۰ پاراگراف ۲ پیمان جامعه اقتصادی اروپا) پذیرفته شده است اما

بین‌المللی است که در حال پدیدار شدن می‌باشد.

### حقوق بین‌المللی توسعه پایدار

مفهوم توسعه پایدار یک مفهوم نسبتاً جدید است که اشاره به توانمان بودن حفاظت محیط زیست و توسعه دارد و این دو را در حمایت از یکدیگر مطرح می‌سازد. هر چند استفاده از این اصطلاح (توسعه پایدار) قبلاً هم معمول بوده است، لکن به شکل امروزی آن سابقه در سند «آینده مشترک ما» (our common Future) دارد و آن موضوع گزارش نهائی کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه به مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۸۷ است که به گزارش گروها رلم برونلند نخست وزیر نروژ معروف است. در سال ۱۹۹۲ این اصطلاح نشانگر مفهوم پایه‌ای کنفرانس ریو گردید و اعلامیه ریو را در باره محیط زیست و توسعه تحت‌الشعاع قرار داد.

#### ۱ - نظریه توسعه پایدار:

گزارش برونلند توسعه پایدار را به عنوان توسعه‌ای تعریف می‌کند که احتیاجات عصر حاضر را بدون زیان رسانی به آیندگان برآورده سازد. متعاقب این گزارش پانزدهمین شورای حکام یونپ در سال ۱۹۸۹ توسعه پایدار را چنین تعریف نمود. نگهداری، استفاده منطقی و تقویت اصولی منابع طبیعی به گونه‌ای که رشد اقتصادی و تجدیدپذیری اکولوژیکی را تأکید می‌کند و این امر پیشرفت به سوی عدالت بین‌المللی را در بر دارد.

کنوانسیون مربوط به تنوع گونه‌ها که در ماه جون ۱۹۹۲ به امضاء رسید نمونه خوبی برای ارائه تعریف توسعه پایدار است که ضمن تأکید به استفاده مداوم و پایدار از منابع طبیعی از توسعه پایدار چنین تعریف می‌کند: «استفاده اجزاء تشکیل دهنده انواع گونه‌ها به نحو و میزانی که منجر به کاهش دراز مدت منابع طبیعی نگردد. حفاظت از این منابع به گونه‌ای است که آثار بالقوه آنها برای برآوردن نیازها و آرزوهای عصر حاضر و آینده حفظ شود» (ماده ۲).

#### ۲ - مفاهیم ضمنی این اصل:

ضرورت توسعه پایدار می‌تواند به عنوان یک اصل در حال

پدیدار شدن در حقوق بین‌المللی تلقی شود، هر چند که این مفهوم هنوز برای الزام‌های دقیق و مستحکم راه برد ندارد و این از آنجا ناشی می‌شود که مفاهیم ضمنی آن به طور گسترده‌ای مربوط به شرایط خاص و سیر تکاملی استراتژی مدیریت می‌شود که در رابطه با ظرفیت‌های اجتماعی و اقتصادی، سرعت تجدیدپذیری و همچنین استفاده پایدار مطرح می‌گردند.

معهد اعلامیه‌ها و پیمانهای گوناگونی که مفهوم توسعه پایدار را در موارد خاص، به کار می‌گیرند نیز وجود دارند. دستور کار ۲۱ مورد پذیرش در کنفرانس ریو فهرستی از تدابیر خاص را که با توجه به مسائل ویژه و راه حل‌های پایدار آنها می‌باشد را در بردارد. حتی جدیدتر از کنفرانس ریو اعلامیه وزرای لوترزن (آوریل ۱۹۹۳) است که به شرح زیر توصیه می‌کند:

شورای دولت‌های عضو اروپا، در راستای همکاری فی‌مابین IUCN (اتحادیه بین‌المللی حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی)، UNEP، کمیسیون اروپا (EC) و دولت‌های ذی‌علاقه و سازمانها، فعالیت‌هایی را که در رابطه با مناطق حفاظت شده، پیش برد روشهای توسعه برای استفاده پایدار از منابع طبیعی، طرح‌های آزمایشی و قوانین الگوئی به منظور پیش برد صنعت جهانگردی پایدار، همچنین آموزش و پرورش است را تعقیب خواهد کرد. وانگهی در مورد مناطق ماهی‌گیری ایسلند (سال ۱۹۷۴) دولت‌ها را ملزم به همکاری برای حفاظت و بهره‌برداری پایدار از مشترکات جهانی که شامل منابع زنده دریاهای آزاد می‌باشد می‌کند.

رژیم‌های حقوقی دیگر که با مسئله حفاظت منابع دریایی، حیات وحش، حفاظت زیستگاه، حفاظت میراث طبیعی و فرهنگی، حفاظت مناطق قطب جنوب در رابطه هستند و قصد و هدفشان حفاظت منابع طبیعی بین‌المللی جهانی است اظهار می‌نمایند که توسعه پایدار در حال به دست آوردن پذیرش حقوقی در سطح بین‌المللی می‌باشد. از جمله نمونه‌های دیگر در سطح حقوقی داخلی که به مسئله توسعه پایدار پرداخته‌اند، عبارتند از: قانون مدیریت منابع طبیعی نیوزیلند سال ۱۹۹۱ و توسعه نیازهای قانونگزاری مربوط به طرح فضای سبز کانادا و غیره.

به علاوه برخی اصول عمومی که در رابطه و یا منتج از مفهوم توسعه پایدار می‌باشند شامل موارد زیر است:

## الف) خط مشی سیاستهای توسعه:

اعلامیه ریو یکی از نتایج اصولی و پایه‌ای این مفهوم را اینگونه بیان می‌کند:

«جهت نیل به توسعه پایدار، حفاظت از محیط زیست می‌باید جزء لاینفک برنامه‌های توسعه باشد و نباید آنرا جدا از هم تلقی کرد» (اصل ۴) به علاوه همراه با رسمیت شناختن روزافزون «حق توسعه» مفهوم توسعه پایدار نیز به عنوان یک امر محدود نسبت به این حق که برای حفاظت از محیط زیست می‌باشد در حال وارد شدن به صحنه است. برای نمونه این موضوع در اعلامیه ریو به شرح زیر پیش بینی شده است:

«حق توسعه پایدار باید چنان به کار رود که نیازهای توسعه و محیط زیست نسل‌های فعلی و آینده را یکسان برآورده سازد» (اصل ۳)

## ب) الگوهای ناپایدار تولید و مصرف:

«کشورها برای دستیابی به توسعه پایدار و زیست باکیفیت مطلوب تر برای عموم مردم، باید الگوهای ناپایدار تولید و مصرف را تقلیل دهند یا از بین ببرند و سیاست‌های جمعیتی مناسبی را ترویج کنند».

متن فوق اصل هشت اعلامیه ریو می‌باشد که در دستور کار ۲۱ فهرستی مبنی بر تعهد دولتها به الزام‌های خاص آمده است که در بین آنها اشاره به ترویج کارایی در روندهای تولید و کاهش مصرف زیاد به چشم می‌خورد (پاراگراف ۴/۱۷).

## ج) مسئولیت مشترک و درعین حال مجزای دولتها:

اصل دیگری که در رابطه با مفهوم توسعه پایدار است اصل مسئولیت‌های مشترک و در عین حال مجزای دولتها می‌باشد، که بر طبق آن کشورهای توسعه یافته مسئولیت اصلی در قبال فرو افت منابع زیست محیطی را متقبل می‌شوند.

«کشورهای توسعه یافته معترفند که به سبب مشکلاتی که جوامعشان برای محیط زیست جهانی فراهم آورده‌اند و متناسب با تکنولوژی‌ها و منابع مالی‌ای که در اختیار دارند در قبال مسئله بین‌المللی توسعه پایدار مسئولند (اصل ۷ اعلامیه ریو). در نتیجه کشورهای توسعه یافته تعهد می‌نمایند که سهم بالنسبه بزرگتری را

در کاهش آلودگی، همچنین تأمین مالی تدابیر کاهش آلودگی را در کشورهای خود تقبل کنند. این اصل در برخی از کنوانسیونهای اخیرالتصویب بکار گرفته شده است. پروتکل مونترال و اصلاحیه‌های لندن و کنوانسیون وین، مبنی برحفاظت از لایه، اوزن کشورهای حال توسعه را فارغ از تعهد می‌داند. به علاوه برای کشورهای در توسعه یافته پیش بینی کمک‌های مالی و فنی را در این زمینه می‌نماید. خطوط کلی کنوانسیون تغییرات آب و هوا در ماده ۳ این اصل را به عنوان قسمتی از اصول راهنمای کنوانسیون فهرست می‌کند که از جمله برجدهائی بین مسئولیت دوتی و کمک‌های فنی و مالی تأکید دارد.

## د - کمک‌های فنی و مالی:

به منظور پیش برد توسعه پایدار کشورهای توسعه یافته نیاز به کمک رسانی به کشورهای در حال توسعه را مبنی برآشتی دادن توسعه و حمایت از محیط زیست در کوشش‌هایشان بطور روزافزونی به رسمیت می‌شناسند. درباب کمک‌های مالی مورد نیاز گفته می‌شود که باید «حیاتی، جدید و تکمیلی» باشد (دستور کار ۲۱ پاراگراف ۳۳/۱۳). اما درباب کمک‌های فنی یک نوع عدم تفاهم چشمگیر در خصوص شرایط انتقال تکنولوژی وجود داشته است. برطبق دستور کار ۲۱ انتقال تکنولوژی باید به مرحله اجرا گذاشته شود. اگرچه انجام آن از طریق کانال‌های تجاری باشد. به هر حال روی این امر باید با شرایط مطلوب به سود کشورهای در حال توسعه باشد (دستور کار ۲۱ پاراگراف ۳۴/۱۴). دستور کار ۲۱ همچنین می‌افزاید که همزمان با توسعه مفاهیم تکنولوژی سالم برای محیط زیست (که دستیابی مطمئن بدون آلودگی) را در بردارد) و همچنین تکنولوژی پیشرفته (که بخصوص از سوی کشورهای در حال توسعه مورد کند و کاش قرار می‌گیرد)، طرق دستیابی‌های بیشتر به تکنولوژی‌های سالم زیست محیطی باید ترویج داده شود و دسترسی به آنان آسان باشد و مورد حمایت مالی آن طوری که مقتضی است قرار گیرد و این امر بگونه‌ای صورت پذیرد که انگیزه‌های کافی برای مبتکرین که در امر ترویج، تحقیق و توسعه تکنولوژی‌های جدید سالم برای محیط زیست کار می‌کنند تأمین شود. (دستور کار ۲۱ پاراگراف ۳۴/۱۱) هر چند که کمک‌های ضروری مورد تأیید است لکن

هیچگونه توافقی مبنی بر یک الزام حقوقی نسبت به موضوع کمک مالی به عنوان قواعد عرفی حقوق بین‌المللی وجود ندارد. عدم وجود صراحت کافی در باب تعاریف دقیق حقوقی اقتصادی و اجرائی توسعه پایدار موجب آن شده است که یک ناظر بی‌طرف به این نکته توجه دقیق داشته باشد که اولاً دخالت یک نهاد ثالث برای حل و فصل ادعاهای متعارض امکان‌پذیر نیست. ثانیاً به علت وجود تعابیر مختلف و کلی بودن مفاهیم

رسیدگی به حل و فصل موارد مورد ادعا مسیر طولانی را طی خواهد نمود تا بتواند حکمی صادر شود. (۱)

پشتیبانی حمایت‌های سیاسی که منجر به قبول توسعه پایدار در طول کنفرانس UNECD شد به همراه با پشتیبانی در حال گسترش در دولتها نشانگر آن است که پویا کافی در راستای روشن نمودن مفاهیم کلی توسعه پایدار از طریق قواعد حقوقی بین‌المللی تجویز شده است.